



انتشار نخستین شماره‌ی فصلنامه‌ی باران با استقبال گسترده‌ای روبرو شد و در رسانه‌های ارتباط جمعی خارج از کشور انعکاسی وسیع یافت. در داخل نیز ظاهراً باران مورد توجه اهل قلم و خوانندگان قرار گرفته است. این را بیشتر از تماسهایی می‌دانیم که به وسیله‌ی تلفن و نامه و ایمیل با ما گرفته‌اند، یا از مطالبی که در اینترنت درباره‌ی انتشار مجله و برخی مطالب آن نوشته شده است. تا جایی که خبر داریم در مطبوعات چاپی خبر انتشار مجله منعکس نشده است. ظاهراً هنوز موانع و محدودیتهایی در این مورد وجود دارد. به هر تقدیر همینجا و در همین فرصت از همه‌ی کسانی که ما را مورد لطف قرار دادند یا در انعکاس خبر و مطالب مجله کوششی کردند صمیمانه تشکر می‌کنیم و امیدواریم این آغاز خجسته، در تداوم و ادامه‌ی خود امکانی باشد برای هرچه بیشتر و گسترده‌تر کردن ارتباطها و زمینه‌ای باشد برای همکاریها و همفکریها. ما نه تنها خود را بی‌نیاز از پیشنهادها و تذکرها نمی‌دانیم، بلکه معتقدیم بهبود کیفیت مجله به میزان وسیعی وابسته‌ی همین یاریهاست.

توجهی که به باران شد، هم حکایت از جای خالی چنین مجله‌هایی دارد و هم ما را موظف می‌کند در برآوردن انتظار خوانندگان و همکارانمان بیش از پیش بکوشیم. طبیعی است که تمامی مطالبی که در یک نشریه منتشر می‌شود نمی‌تواند مورد پسند همه‌ی خوانندگان قرار گیرد؛ یکی این مطلب و دیگری آن یکی را بیشتر می‌پسندد؛ یکی به این مطلب و دیگری به آن دیگری انتقاد و ایراد دارد. بی‌آنکه قصد توجیه ضعفها و کمبودها در میان باشد باید گفت که شاید هیچ مجله‌ای نباشد که در تمام صفحات خود موافق پسند و سلیقه‌ی همه‌ی خوانندگانش باشد. این کلیت مجله است که ما را به آن نزدیک یا از آن دور می‌کند. ما امیدواریم باران بتواند به سهم خود در برطرف کردن کمبود مجله‌های فرهنگی و ادبی نقشی ایفا کند و امیدواریم که شاهد پیدایش مجله‌های جدید و تداوم کار مجله‌های خوب موجود نیز باشیم.

در شماره نخست برخی غلطهای تایپی نیز راه یافته بود؛ و بدتر غلطهایی بود که در روی جلد و به ویژه در فهرست لاتین در نگارش نام بعضی از همکارانمان رخ داده بود. ما از همه‌ی خوانندگان و به ویژه از همکاران گرامی پوزش می‌طلبیم.

در شماره‌ی اول باران مطلبی داشتیم با عنوان «جویندای ما و جویندای شو». در آنجا علل عدم حضور شعر خارج از کشور در بحثها و نقدهایی که در داخل نوشته می‌شود را با چهار شاعر مقیم خارج به بحث گذاشته بودیم. بخشی از این مطلب، نوشته‌ی همکارمان بهنام باوندپور، واکشها و بحثهای بسیاری برانگیخت که در سایتهای اینترنتی به جلد و پرخاش نیز رسید. به گمان ما بسیاری، و متأسفانه حتا کسانی که کل مطلب را مفید تشخیص داده بودند، قصد و نیت طرح این پرسش را نادیده گرفته یا به آن کم‌توجهی کرده‌اند. آن پرسش نه به قصد گله‌گذاری طرح شده بود و نه برای ایجاد جنجال. ایراد و انتقادهایی که در آن پاسخها به کسی یا کاری گرفته شده از نظر ما کاملاً فرعی و حاشیه‌ای است و پرداختن و بها دادن بیش از حد به آن نادیده گرفتن معضلی بسیار مهمتر است که توجه به آن، خواست اصلی باران از طرح پرسشها بوده است.

بحث این بود و همچنان نیز هست که آیا عدم حضور شعر خارج در بحثها و نقدهای داخل کشور، سوای کیفیت این آثار، حاصل اتفاقات ساده‌ای چون در دسترس نبودن این آثار است یا می‌توان آن را به مثابه‌ی بُعدی از ابعاد موقعیت و شرایط مهاجرت در نظر گرفت که یکی از ویژگیهای حیات فرهنگی و اجتماعی معاصر ماست. قصد ما طرح این پرسش است که آیا تقلیل علت این کمبود به «در دسترس نبودن این آثار» ما را از درک روابط دشوار و پیچیده‌ای که مهاجرت عامل آن است باز نمی‌دارد؟ اصولاً بحث بر سر یافتن مقصر نیست؛ ما همه پرورده‌ی فرهنگی هستیم که «دیگری» را غیرخودی محسوب می‌کند و تفاوتها و تنوعها را بر نمی‌تابد. ما می‌کوشیم از طریق این بحث و بحثهایی از این دست به تعمق در اثرات این فرهنگ در قضاوتهایمان بنشینیم. و قصدمان تنها طرح پرسش است و تردید در درستی پاسخهای دم دست و آماده. و در این تلاش نه قصد محق جلوه دادن خود را داریم و نه سودای متهم کردن دیگران را؛ در نظر ما این پرسش و هر پرسش دیگری که ما را به اندیشیدن و بازاندیشیدن وادارد ارزش طرح شدن دارد.

شکی نیست که با گذشت زمان، این پرسش و چنین پرسشهایی موضوعیت خود را به میزان زیادی از دست می‌دهند و احتمالاً بی‌مورد به نظر می‌رسند. اما نادیده نمی‌توان گرفت که اکنون و در این زمان جایگاه آثار ادبی پدید آمده در خارج از کشور همچون دیگر پیامدهای مهاجرت و تبعید موضوعاتی هستند که بحث درباره‌ی آنها تازه آغاز شده است. جنجالها و هیاهوها دور شدن از اصل و چرخیدن در حواشی است. آنکه به این معضلات می‌اندیشد و اندیشه‌ی خود را مکتوب می‌کند به این حواشی چندان اهمیت نمی‌دهد و اصل را فدای آن نمی‌کند. پس این حاشیه را نیز کوتاه کنیم تا به اصل مطالبی برسیم که در صفحه‌های آینده پیش روی شما قرار می‌گیرند. و این اشاره‌ها حاشیه‌ای بیش بر آنها نیست.